

مطالعه لایه نحوی زبان در برخی از لایه‌های زبان فارسی: بررسی ساخت جمله

سیده‌مریم فاضلی^۱

فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲۱

چکیده

لایه‌ها یکی از انواع ترانه‌ها هستند که در حوزه ادبیات عامه جای می‌گیرند. یکی از ابعاد ساختاری لایه‌ها بررسی ویژگی‌های نحوی آنها است. پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با هدف بررسی انواع جملات تشکیل‌دهنده لایه‌ها از نظر ساده و مرکب بودن و نیز تعداد اجزای جملات در ۹۳ لایه فارسی انجام شد. نتیجه آزمون آماری کای دو که با استفاده از نرم افزار SPSS21 به دست آمد، نشان می‌دهد که در لایه‌های موردبررسی، میان فراوانی جملات ساده و مرکب تفاوت معنادار وجود دارد؛ به

1. Email: ma.fazaeli@stu-mail.um.ac.ir

صورتی که بسامد جملات ساده به طور معناداری بیشتر از جملات مرکب است. از بعد تعداد اجزای جمله، جملات سه جزئی و یک جزئی به ترتیب با ۴۶٪ و ۲۶٪ بیشترین و کمترین میزان بسامد را در لالایی‌های مورد بررسی داشته‌اند. نتیجه آزمون آماری کای دو نشان دهنده این است که در لالایی‌ها جملات سه جزئی به طور معناداری بیشتر از جملات یک جزئی کاربرد داشته‌اند. بسامد زیاد جملات ساده متناسب با نوع لالایی است؛ زیرا در این نوع از ادبیات عامه از آنجایی که مخاطبان لالایی‌ها کودکانی هستند که در حال فراگیری زبان هستند، انتظار بر این است که از ساختارهای نحوی استفاده شود که جملاتی کوتاه و ساده و متشکل از فقط یک فعل باشند تا پردازش و درک آنها برای کودکان ممکن باشد. همچنین، فراوانی زیاد جملات ساده به دلیل ویژگی ریتیمیک لالایی‌ها است و اینکه این ویژگی موجب می‌شود تا لالایی‌ها غالباً در جملات ساده و کوتاه سه جزئی بیان شوند. افزون بر این، به دلیل اینکه لالایی‌ها جنبه عامیانه دارند و سرایندگان آنها نیز غالباً مادرانی با سطح سواد پایین هستند و در کلام عامیانه سعی می‌شود که از پیچیدگی گفتاری کاسته شود تا کلام روان‌تر باشد و انتقال مطلب سریع‌تر صورت گیرد، در لالایی‌های مورد بررسی شاهد وقوع فراوان جملات ساده و کوتاه سه جزئی هستیم.

کلیدواژه‌ها: لایه نحوی، ادبیات عامه، لالایی‌ها، زبان فارسی.

۱- مقدمه

فولکلور دانشی است که از معلومات و دانش مردم عامی صحبت می‌کند. مجموع دانستنی‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات، خرافات، احساسات، عواطف و آنچه زندگی مادی و معنوی و خصایص ذوقی و روحی توده مردم را دربر می‌گیرد و عامه مردم از گهواره تا گور با آنها سر و کار دارند و توسط آنها احاطه شده‌اند، جزو همین فولکلور یا به تعبیر دیگر، فرهنگ مردم محسوب می‌شوند که در میان دانش‌های تازه جایگاه والایی دارد (انجوی شیرازی، ۱۳۴۸، ۱). مقصود نهایی از کلمه فولکلور، همه مفاهیمی است که زندگی واقعی توده مردم هر کشوری را دربر می‌گیرد. مراد از زندگی واقعی، جنبه‌ها و ویژگی‌های زندگی است که از بدو تولد تا زمان مرگ، شخص را چون دایره‌ای دربر می‌گیرد (همایونی، ۱۳۵۶، ۸۷). از

دل فولکلور (فرهنگ عامه)، فرزندی به نام ادبیات عامه زاده می‌شود. ادبیات عامه شامل این موارد است: اوسنه‌ها (افسانه‌ها)، ترانه‌ها، هزلیات، چیستان‌ها و هر نقل و شعری که گوینده آن ناشناخته است یا آن قدر طبیعی و ساده‌دلانه گفته شده است که نشانگر وجود و حضور آن در گستر فرهنگ عامه است (میهن‌دوست، ۱۳۸۰، ۲۶). مهم‌ترین ویژگی ادبیات عامه مکتوب نبودن آن و نیز انتقال شفاهی آن در طول حیات بشر است؛ از این رو است که ادبیات عامه ادبیات شفاهی نیز نامیده می‌شود. از درون ادبیات عامه (شفاهی) فرزندان بسیاری متولد می‌شوند که یکی از آن‌ها ترانه می‌باشد. ترانه‌ها خود انواع مختلفی دارند که از جمله آن‌ها می‌توان از لایه‌ها، ترانه‌های نوازش، ترانه‌های عاشقانه و ترانه‌های فراقی نام برد (خادمی، ۱۳۸۹، ۱۱). به دلیل اینکه بررسی جامع ادبیات عامه نیازمند اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای است، در این مقاله قصد بر آن است تا لایه‌ها از دیدگاه نحوی بررسی گردند.

سؤالاتی که در این پژوهش به دنبال پاسخ برای آن‌ها هستیم عبارت‌اند از: ساختار نحوی لایه‌ها با تکیه بر دو مقوله جملات مستقل ساده و مرکب و نیز تعداد اجزای جملات چگونه است؟ و این موارد نحوی بیانگر چه هستند؟

۲- طرح مسأله

ادبیات عامیانه گونه‌ای از ادبیات است که معرف فرهنگ یک جامعه، قوم یا ملت است که به دلیل چند بعدی بودن، بررسی جامع آن نیازمند اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای از سایر علوم همچون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، فلسفه، ادبیات و جغرافیا است. یکی دیگر از علوم بشری که کمتر از دیدگاه آن به ادبیات عامه نگریسته شده است، زبان‌شناسی و شاخه‌های آن همچون آواشناسی، ساختواژه، معناشناسی، کاربردشناسی و شاخه‌هایی دیگر آن با ماهیت میان‌رشته‌ای همچون جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی تاریخی است. نحو که حوزه مورد توجه در تحقیق حاضر است، دیگر شاخه زبان‌شناسی نظری است که به بیانی کلی، به بررسی ساختار جملات و روابط میان واژه‌ها و چگونگی چینش آن‌ها در سطح جمله می‌پردازد.

لایه‌ها دارای دو بخش ساختار و محتوا هستند که ریتم و آهنگ از جمله مواردی هستند که در بخش ساختار بررسی می‌شوند و مواردی چون نفرین دشمنان فرزندان، ترساندن فرزندان، وعده به فرزندان، شکایت از دوری پدر و آرزوی باسواد شدن فرزندان در بررسی محتوایی

لالایی‌ها مطرح می‌شوند (شایگان مهر و خادمی، ۱۳۹۰). یکی دیگر از ابعاد ساختاری لالایی‌ها زبان است که بررسی زبان لالایی‌ها در سطوح مختلف آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردشناختی موجب شناخت بیشتر لالایی‌ها می‌شود. مسئله در اینجا است که ویژگی‌های لالایی‌ها براساس لایه نحوی زبان چگونه است و دلیل وجود این ویژگی‌ها چیست.

۳- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی زبان‌شناختی لالایی‌ها و به‌ویژه نحو آنها انجام نشده است. تنها در یک پژوهش که کیانی و حسن‌شاهی (۱۳۹۱) آن را با هدف بررسی تطبیقی ساختار و درون‌مایه‌های لالایی‌ها در ادبیات فارسی و عربی انجام داده‌اند، نتایج نشان می‌دهد موسیقی لالایی‌ها جنبه‌ای از توجه به ساختار آنها است که تکرار در لالایی‌ها در سطوح آوایی، واژگانی، عبارت یا جمله وجود دارد.

هرچند مطالعه‌ای در بعد زبان‌شناختی لالایی‌ها صورت نگرفته است، اما پژوهش‌های مختلفی از دیدگاه غیرزبانی بر روی آنها انجام شده که برخی از آنها در قالب کتاب منتشر شده‌اند و برخی دیگر در قالب مقاله. کتاب‌های نگاشته شده در این زمینه عبارت‌اند از: *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن* (۱۳۸۵) و *ادبیات کودکان؛ تولد تا سه سالگی* (۱۳۸۶) از ثریا قزل ایاقولایی در فرهنگ مردم/ایران از ابراهیم جمالی (۱۳۸۷). برخی از مقالاتی که در حوزه لالایی به رشته تحریر درآمده‌اند، عبارت‌اند از: مقالات حسن‌لی (۱۳۸۲)، مقدسی (۱۳۸۳)، شایسته‌رخ (۱۳۸۹)، جلالی پندری و پاک‌ضمیر (۱۳۹۰) و پورنعمت رودسری (۱۳۹۱).

۴- تعریف لالایی

به درستی نمی‌توان تاریخ دقیق و مشخصی را برای آغاز یا پیدایش ادبیات کودکان تعیین کرد؛ اما اسناد و مدارک گواهی می‌دهند که قبل از اینکه حتی خطی و کتابتی به وجود بیاید، انواعی از ادبیات کودکان به شکلی شفاهی در میان اقوام و ملل مختلف وجود داشته است. زمانی که مادری قدم در این عرصه نهاد و کودکی را به دنیا آورد، ادبیات کودکان همراه وی متولد شد (شجری، ۱۳۸۴، ۲۴).

ادبیات شفاهی کودکان که بخش گسترده‌ای از ادبیات شفاهی را تشکیل می‌دهد، به دو

دسته ادبیات داستانی و غیرداستانی تقسیم می‌شود. ادبیات داستانی کودکان شامل گونه‌هایی همچون مَثَل، افسانه، قصه و حکایت است. ادبیات غیرداستانی شامل گونه‌هایی مانند لالایی، ترانه و چیستان می‌باشد (غفاری، ۱۳۸۴، ۶۶). لالایی پیشینه ادبیات کودکان است و می‌تواند به عنوان راهنمایی در زمینه کارکردن در رشته‌های آفرینشی ادبیات کودکان قرار گیرد (سرامی، ۱۳۸۰، ۳۵). لالایی‌ها ابتدایی‌ترین شکل ادبیات به شمار می‌روند (قزل ایاق، ۱۳۸۶، ۱۲۷). لالایی‌ها قدمتی به درازای تاریخ زندگی بشر دارند. در اهمیت آنها همین بس که استفاده از این آواها در بخش مراقبت‌های ویژه کودکان باعث کاهش تنش نوزادان می‌شود و به تنفس و رشد نوزادان نارس کمک بزرگی می‌کند (امیری و همکاران، ۱۳۸۷، ۱). لالایی‌ها یکی از انواع ترانه‌های عامیانه‌اند که اغلب زنان آنها را می‌سروده‌اند و می‌خوانده‌اند (عنایت و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۸). از یک سو لالایی‌ها در حوزه ادبیات عامیانه جریان دارند و از سوی دیگر در حوزه ادبیات کودکان. لالایی‌ها در کنار مَثَل‌ها، منظومه‌ها و ترانه‌های عامیانه که برای کودکان ساخته شده‌اند، یکی از گونه‌های منظوم ادبیات کودکان به شمار می‌روند (حسن‌لی، ۱۳۸۲).

در لغت نامه دهخدا (۱۳۷۷) ذیل واژه لالایی چنین آمده است: صوتی است که بدان طفل را در گهواره می‌خوانند. آواز نرم مادران و دایگان برای خوابانیدن کودک. واژه «لالایی» در فرهنگ‌های مختلف به صورت‌های مختلفی شامل «لالای لای، لالا، لالای، لولو، لالبی، نی نا، نانا، بوبو، دو دو» نیز آمده است (احمدپناهی‌سمنانی، ۱۳۸۳، ۲۰۸). اگرچه لالایی‌ها از نظر ساختار از شعر رسمی پیروی نمی‌کنند، اما چون خوانندگان آنها از طریق گوش فرا می‌گیرند، از این رو آن را شعر رسمی می‌خوانند (قزل ایاق، ۱۳۸۶، ۱۲۷).

۴- چهارچوب پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است و شیوه نمونه‌گیری به صورت در دسترس است. در این تحقیق تعداد لالایی‌های مورد بررسی ۹۳ عدد است که همه آنها به زبان فارسی هستند و در فرهنگ ایرانی شکل گرفته‌اند. به دلیل اینکه جمع‌آوری لالایی‌ها در ایران براساس میزان سواد مادر نیست، این معیار در مقاله حاضر لحاظ نشده است تا از حیث میزان سواد مادر که گوینده لالایی است، به ساختار نحوی لالایی‌ها نگرسته شود.

چهارچوبی که در تحقیق حاضر لایبی های فارسی بر مبنای آن بررسی شده‌اند، دو مبحث ساده و مرکب بودن جملات و نیز تعداد اجزای جملات است که در این بخش به ترتیب درباره این دو مورد توضیح می‌دهیم. لازم است ذکر شود که مبنای ارائه تعاریف از دو مبحث یادشده براساس دستور زبان فارسی نوشته وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۱) است؛ زیرا این دستور، ساختارگرا است و با تحلیل داده های مقاله حاضر مطابقت دارد.

جمله مستقل بزرگترین واحد زبان است که بخشی از یک واحد بزرگتر نباشد. جمله مستقل بر دو نوع است: ساده و مرکب. جمله مستقل ساده یک فعل دارد و جمله مستقل مرکب حداقل یک جمله وابسته دارد (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۱، ۱۱). نمونه جملات مستقل ساده و مرکب، به ترتیب چنین است:

الف- همه زبان‌ها واج دارند.

ب- بررسی صورت واجی و صورت صوتی نمونه‌های ذکرشده نشان می‌دهد که مرز هجا در صورت‌های صوتی واجی و صوتی همواره با یکدیگر مطابقت ندارند.

در جمله مستقل مرکب حرف یا حروف ربطی وجود دارند که این حروف عبارت‌اند از: اگرچه، اگر، پس، چون که، تا، چون، تا، که، اما، ولی، زیرا، و، یا، و ... برخی از این حروف، حروف ربط وابستگی هستند که در آغاز هر جمله‌ای بیایند، نشانگر جمله وابسته هستند؛ مانند اگرچه، اگر، تا، زیرا، و چون. این حروف دو یا چند جمله را به هم پیوند می‌دهند که یکی از آن جملات، جمله اصلی یا هسته است و دیگر یا دیگر جمله‌ها جزئی از جمله هسته هستند که جمله وابسته نامیده می‌شوند (همان، ۱۱۰-۱۰۹).

مثال: سخنگویان زبان به خوبی تشخیص می‌دهند که هر واژه صورت آوایی و نیز معنی و معانی خاص خود را دارد.

در این مثال، «سخنگویان زبان به خوبی تشخیص می‌دهند» جمله هسته است و «هر واژه صورت آوایی و نیز معنی و معانی خاص خود را دارد» جمله وابسته است. برخی دیگر از این حروف، حروف ربط همپایگی هستند؛ مانند و، یا، اما، ولی و نیز تکواژهای این گسسته: هم ... هم، چه ... چه، نه ... نه، یا ... یا. حروف ربط همپایگی بین جمله‌های همپایه می‌آیند؛ یعنی هیچ یک از جمله‌ها جزئی از جمله دیگر نیست (همان، ۱۱۰).

مثال: در این بخش کتاب قابوس‌نامه را بررسی می‌کنیم و درباره باب‌های آن توضیح

می‌دهیم و به اجمال به نکات مهم هر باب می‌پردازیم.

در این مثال، هریک از جملات «در این بخش کتاب قابوس نامه را بررسی می‌کنیم»، «درباره باب‌های آن توضیح می‌دهیم» و «به اجمال به نکات مهم هر باب می‌پردازیم» به تنهایی جمله مستقل ساده هستند.

تعداد اجزای جمله را نوع فعل موجود در جمله تعیین می‌کند؛ زیرا، فعل، مرکز جمله و مهم‌ترین بخش گزاره و جمله است. جمله ساده حداقل دو جزء و حداکثر چهار جزء دارد (همان، ۱۴)؛ مانند:

علی رفت. (۲ جزء)

سارا کتابها را از کتابفروشی خرید. (۴ جزء)

- جمله‌های دو جزئی: فعل این جمله‌ها ناگذر است؛ یعنی فقط به نهاد نیاز دارد (همان، ۱۴).

مثال: کیوتر پرید؛ رضا با ناراحتی ایستاده بود.

در جمله دوم «باناراحتی» متمم قیدی است و فعل «ایستادن» به آن نیاز ندارد؛ بنابراین جزو ارکان جمله محسوب نمی‌شود.

- جمله‌های سه جزئی: فعل این جمله‌ها گذرا است و به همین دلیل است که در بخش گزاره این جملات یک جزء دیگر نیز می‌آید. این جمله‌ها بر چند نوع هستند: ۱. سه جزئی با مفعول؛ ۲. سه جزئی با مسند؛ ۳. سه جزئی با متمم (همان: ۱۵).

۱- جملات سه جزئی با مفعول: در بخش گزاره این نوع جملات علاوه بر فعل، یک گروه اسمی با نام مفعول می‌آید. مفعول گروه اسمی است که پس از آن «را» می‌آید و یا می‌تواند بیاید (همان، ۱۵)؛ مانند: بهمن سیب را خورد؛ معلمان در پیشرفت انسانها سهم مهمی (را) برعهده داشته اند.

۲- جملات سه جزئی با مسند: به گزاره این نوع جملات جزئی که اضافه می‌گردد، مسند نام دارد و مسند گروه اسمی است که فعل اسنادی برای تکمیل جمله به آن نیاز دارد (همان، ۱۶)؛ مانند: رستم پدر سهراب بود؛ در پاییز هوا سرد است. در جمله دوم، «در پاییز» متمم قیدی است که جزو ارکان اصلی جمله نیست و فعل اسنادی «است» به آن نیاز ندارد.

۳- جملات سه جزئی با متمم: این نوع فعل‌ها علاوه بر نهاد به متمم نیاز دارند. متمم فعل، اجباری است و گروه اسمی‌ای است که پس از حرف اضافه می‌آید (همان، ۱۷)؛ مثال: او

به گذشته اندوهناک خویش می اندیشد؛ آن مرد از شیر می ترسد.

- جمله‌های چهار جزئی: فعل این نوع جملات نیز گذار است. جمله‌های چهار جزئی بر چهار نوع هستند: ۱- چهار جزئی با مفعول و متمم؛ ۲- چهار جزئی با مفعول و مسند؛ ۳- چهار جزئی دو مفعولی؛ ۴- چهار جزئی با متمم و مسند (همان، ۱۸).

۱- چهار جزئی با مفعول و متمم: این فعلها علاوه بر مفعول به متمم نیز نیاز دارند؛ یعنی حرف اضافه اختصاصی نیز دارند (همان، ۱۹)؛ مثال: زیور نامه‌ها را از پستی گرفت؛ او عکس‌ها را به برگه چسباند.

۲- چهار جزئی با مفعول و مسند: اغلب جمله‌های این مبحث همان جمله‌های اسنادی سه جزئی هستند که جزء مفعول به آنها افزوده شده است و به جمله‌های چهار جزئی تبدیل می شوند (همان، ۲۰)؛ مانند: اهل محل او را پهلوان می نامیدند؛ باران هوا را سرد گردانید.

۳- چهار جزئی دو مفعولی؛ مانند: پرستار کودک را غذا داد؛ نقاش پنجره را رنگ زرد زد. از آنجایی که در فارسی امروز «را» به معنای «به» به کار نمی‌رود و فقط نشانه مفعول است، بنابراین گروه اسمی نخست «مفعول» نامیده می‌شود (همان، ۲۲). اگر جملات بالا به صورت «پرستار به کودک غذا داد؛ نقاش به پنجره رنگ زرد زد» به کار روند، جملات از نوع چهار جزئی با مفعول و متمم است.

تفاوت جملات چهار جزئی دو مفعولی با جملات چهار جزئی با مفعول و متمم این است که در جملات نوع اول مفعول اول و مفعول دوم یکی نیستند و دو چیز هستند؛ اما در جملات نوع دوم، مفعول و مسند هر دو یک چیز هستند (همان، ۲۲):

جمله چهار جزئی با مفعول و مسند: اهل محل او را پهلوان می نامیدند. او = پهلوان

جمله چار جزئی دو مفعولی: پرستار کودک را غذا داد. کودک ≠ غذا

۴- چهار جزئی با متمم و مسند: این جمله‌ها با فعل «گفتن» (در معنای اطلاق کردن) ساخته می‌شوند (همان، ۲۲)؛ مانند: مردم به او نامدار می گفتند.

تا به اینجا جملاتی بررسی شدند که از نهاد و گزاره تشکیل شده بودند. اما برخی از جملات ممکن است یکی از اجزای نهاد یا گزاره را نداشته باشند که به آنها جملات استثنایی گفته می‌شود. جملات استثنایی بر دو نوع هستند: جملات بی فعل؛ جملات بی نهاد (همان، ۲۳).

جملات بی فعل: این جمله‌ها بر سه نوع هستند: یک جزئی، دو جزئی و سه جزئی.

الف- جملات یک جزئی بی فعل: واژه‌هایی هستند که گاهی به تنهایی کار یک جمله را انجام می‌دهند. این نوع جملات بر دو نوع هستند: صوت و غیرصوت (همان، ۲۳).
صوت واژه‌ای است که در جایگاه نهاد، مفعول، متمم و ... قرار نمی‌گیرد. و از موقعیت و نحوه بیان یا وجود قرینه می‌توان به معنای آن پی‌برد. صوتها در موقعیتهای مختلف از جمله شگفتی، خشم، تنفر، تمسخر و ... به کار می‌روند که عبارت‌اند از: به به، آه، آخ، وای، اوه، و ... (همان، ۲۴-۲۳).

غیرصوت واژه‌ای معمولی است که کار یک جمله را انجام می‌دهد؛ مانند: سلام، خداحافظ، آهسته و ... همچنین، منادا چه با نقش نمای ندا و چه بدون آن (با انتقال تکیه از هجای آخر به هجای اول) جمله یک جزئی محسوب می‌شود؛ مانند: ای پروردگار، بهمن، کجا می‌روی؟ (همان، ۲۴)

ب- جملات دو جزئی بی فعل: این نوع جملات از دو گروه اسمی تشکیل می‌شوند و گزاره آنها بدون فعل می‌آید؛ مانند: خروج ممنوع، شب بخیر (همان، ۲۴).
پ- جملات سه جزئی بی فعل؛ مانند: زندگی یعنی عقیده، کار یعنی خلاقیت و سازندگی (همان، ۲۵).

جملات بی‌نهاد: از آنجایی که این نوع جملات نهاد اجباری (شناسه) نمی‌گیرند، آنها را بی‌نهاد می‌نامند. هرچند فعل این نوع جملات از نظر ساخت با شناسه سوم شخص مفرد (-) / د / می‌آید، اما چون همیشه ثابت است، ارزش شناسه ندارد. این جمله‌ها بر دو نوع هستند (همان، ۲۵):

الف- جملاتی که نهاد جدا از فعل نمی‌گیرند؛ مانند: می‌شود ایستاد، باید رفت
ب- جملاتی که می‌توانند با نهاد جدا از فعل بیابند؛ مانند: (ما) خوابمان برد، (بچه‌ها) سردشان می‌شود. جملاتی که در قسمت «ب» قرار می‌گیرند، این ویژگیها را دارند: جمله‌های غیرشخصی چهار جزئی هستند؛ گروه اسمی ابتدای جمله نهاد جدا از فعل است و می‌توان آن را با قرینه حذف کرد؛ گروه اسمی ابتدای جمله (نهاد جدا) با ضمیر متصل مطابقت دارد و نه با شناسه فعل؛ جای اجزای این نوع جملات برخلاف جملات دیگر قابل تغییر نیست (گاهی ممکن است بتوان جای نهاد جدا را تغییر داد) (همان، ۲۷-۲۵).

۵- تحلیل لایه‌ها

در تحقیق حاضر ۹۳ لایه فارسی بررسی شده است که ۵۰۳ جمله از این تعداد لایه استخراج شد. به دلیل طولانی شدن مقاله همه لایه‌های تحلیل شده ارائه نمی‌شوند؛ بلکه تنها به ذکر شواهدی چند اکتفا خواهد شد؛ اما در بررسی آماری همه لایه‌های بررسی شده در این مطالعه، لحاظ خواهند شد. تعیین ساده و مرکب بودن جملات تشکیل دهنده لایه‌ها و نیز تعداد اجزای این جملات براساس تعاریفی است که در بخش قبل ارائه شد.

۱- «لالا لالا بمانی تو/ خط قرآن بخوانی تو/ که در فردا روز محشر/ انشا الله در نمایی تو» (مهاجری، ۱۳۸۶، ۶۰)

۲- «ل لالا ل لالا، که تو بخوابی/ بلایی بر سر جنتم (رودم) نیایی/ اگر الله یارن هیچ غمی نیست/ اگر دشمن هزارن هیچ غمی نیست/ اگر تیر از فلک ببارت هیچ غمی نیست/ پناه بر کردگاران هیچ غمی نیست» (سعیدی، ۱۳۸۶، ۶۶)

۳- «ألا لالا خدا یارت/ علی باشه نگهدارت/ نگهدارت خدا باشه/ علی مشگل گشا باشه» (یاوری، ۱۳۸۸، ۱۵۱)

۴- «لالایت می‌کنم خوابت نمی‌یاد/ بزرگت می‌کنم یادت نمی‌یاد/ لالایت می‌کنم تا زنده باشی/ غلام حضرت معصومه باشی/ غلام حضرت معصومه‌ی قم/ نمیری تا قیومت زنده باشی» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۳)

۵- «لالا لالا، گل سرخ و سفیدم/ لالا لالا، بنفشه بلگ بیدم» (جمالی، ۱۳۸۷، ۷۷)

۶- «بخواب ای کودکم وقت نماز است/ و حالا نوبت راز و نیاز است/ نماز از واجبات دینی ماست/ عبادات محمد خوب و زیبا است/ خدا حفظت کند ای نازنینم/ که روزی من نمازت را ببینم» (مهاجری، ۱۳۸۶، ۱۰۴)

۷- «لالا لالا، گل قمصر/ بزرگت می‌کنه مادر/ ببال و مرد میدون شو/ مثال شیر کاشون شو» (پناهی سمنانی، ۱۳۸۴، ۲۲۶)

۸- «لالا لالا گل باغ بهشتم/ برای بابایت نامه نوشتم/ نوشتم نومه رود من عزیزه/ دو چشمونش شو و روز سرمه ریزه/ لالا لالا که لالایت میایه/ نماز شوم بابایت می‌آیه» (کوهی کرمانی، ۱۳۴۵، ۱۹۲)

۹- لالا لالای، گل احمد/ لالا لالای، گل باغ محمد/ محمد در عرب سردار دینه/ محمد نور رب العالمینه/ محمد که خدا پیغمبریش داد/ چراغ آسمان، شمع زمینه» (جمالی، ۱۳۸۷، ۱۳۸۷)

۶	<p>- نماز از واجبات دینی ماست</p> <p>- عبادات محمد خوب و زیبا است</p>	<p>- بخواب ای کودکم / وقت نماز است</p> <p>- و حالا نوبت راز و نیاز است</p> <p>- خدا حفظت کند ای نازنینم / که روزی من نمازت را ببینم</p>	<p>- از فحواوی جمله مشخص است که حرف ربط وابستگی «که» در معنای «زیرا» بین دو جمله واره اولی وجود داشته است که به دلیل وزن شعر حذف شده است.</p> <p>- در جمله مرکب سوم، که در معنای زیرا است.</p>
۷	<p>- بزرگت می کنه مادر</p> <p>- مثال شیر کاشون شو</p>	<p>- ببال و مرد میدون شو</p>	
۸	<p>- برای بابایت نامه نوشتم</p> <p>- نماز شوم بابایت می آیه</p>	<p>- نوشتتم نامه رود من عزیزه</p> <p>- دو چشمونش شو و روز سرمه ریزه</p> <p>- لالا لالا که لالایت میایه</p>	<p>- از فحواوی جمله مشخص است که حرف ربط وابستگی «که» در معنای «به این صورت» بین دو جمله واره اولی وجود داشته است که به دلیل وزن شعر حذف شده است.</p> <p>- در جمله مرکب سوم، که در معنای زیرا است.</p>
۹	<p>- محمد در عرب سردار دینه</p> <p>- محمد نور رب العالمینه</p> <p>- محمد که خدا پیغمبریش داد / چراغ آسمان، شمع زمینه</p>		
۱۰		<p>- گلم مگری / که کس با تو نکرد جبری</p> <p>- اگر با تو کند جبری / خدا مرگش دهد فوری</p>	<p>- که در معنای زیرا است</p> <p>- در جمله دوم، اگر حرف شرط است.</p>
۱۱	<p>- بایات رو کردنش زنجیر</p>		
۱۲	<p>- به من جور و جفا بسیار مانده است</p> <p>- به دستم مانده طفل شیرخوار</p>	<p>- گلی از دست رفت و خار مانده است</p>	

		- مرا این یادگار از یار مانده است	
۱۳	- اگر حضرت بفرمایه/ تو جاروکش زینب شی	- به مشهد شی - به پای تخت حضرت شی	- اگر حرف شرط است.
۱۴	- لالا لالا، که لالات می کنم من - لالا لالا که لالات بی بلا باد	- نگاه بر قد و بالات می کنم من - نگهدار شب و روزت خدا باد	- که در معنای زیرا است.

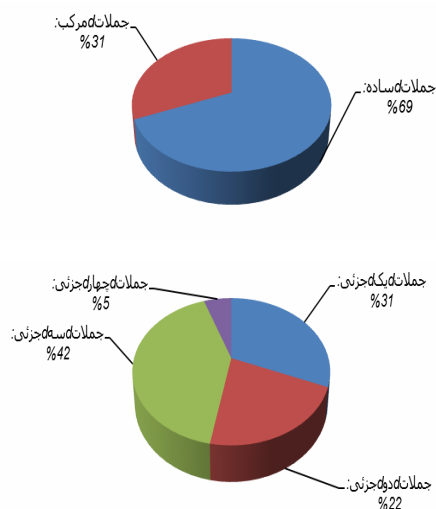
شماره لایه‌ی	جملات ۱ جزئی	جملات ۲ جزئی	جملات ۳ جزئی	جملات ۴ جزئی
۱	- لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل)	- بمانی تو - که در فردا روز محشر/ انشا الله در نمائی تو	- خط قرآن بخوانی تو (۳ جزئی با مفعول)	
۲	- لَ لَ لَ لَ لَ لالا (صوت، جمله استثنایی)	- تو بخوابی - بلایی بر سر جنتم (رودم) نیایی - هیچ غمی نیست - هیچ غمی نیست - اگر تیر از فلک ببارت - هیچ غمی نیست	- اگر الله یارن (۳) جزئی با مسند) - اگر دشمن هزارن (۳ جزئی با مسند) - پناه بر کردگاران (۳ جزئی، جمله استثنایی بی فعل)	
۳	ألا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل)	- خدا یارت (جمله استثنایی بی فعل)	- عالی باشه نگهدارت (۳ جزئی با مسند) - نگهدارت خدا باشه (۳ جزئی با مسند) - علی مشکگل گشا باشه (۳ جزئی با مسند)	
۴	غلام حضرت معصومه قم (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل)	- تا زنده باشی - نمیری - تا قیومت زنده باشی	- لالایت می کنم (۳ جزئی با مفعول) - بزرگت می کنم (۳ جزئی با مفعول) - لالایت می کنم (۳ جزئی با مفعول) - غلام حضرت	- خوابت نمی‌یاد (جمله استثنایی بی فعل) - یادت نمی‌یاد (جمله استثنایی بی فعل)

	معصومه باشی (۳) جزئی با مسند)			
۵			- لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - گل سرخ و سفیدم (جمله ندایی، جمله استثنایی بی- فعل) - لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - بنفشه بلنگ بیدم (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل)	
۶	- و حالا نوبت راز و نیاز است - نماز از واجبات دینی ماست (۳) جزئی با مسند) - عبادات محمد خوب و زیبا است (۳ جزئی با مسند) - خدا حفظت کند (۳ جزئی با مفعول) - که روزی من نماز را ببینم (۳) جزئی با مفعول)	- بخواب	- ای کودکم (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل) - ای نازنینم (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل)	
۷	- بزرگت می کنه مادر (۳ جزئی با مفعول)	- ببال - مرد میدون شو - مثال شیر کاشون شو	- لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی- فعل) - گل قمصر (جمله ندایی،	

			جمله استثنایی (بی فعل)	
۸	- لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - گل باغ بهشتم (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل) - لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل)	- نماز شوم بابایت می آیه	- برای بابایت نامه نوشتم (۳ جزئی با مفعول) - نوشتم نومه (۳ جزئی با مفعول) - رود من عزیزه (۳ جزئی با مسند) - دو چشمونش شو و روز سرمه ریزه (۳ جزئی با مسند)	- که لالایت میایه (جمله استثنایی بی فعل)
۹	- لالا لالای (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - گل احمد (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل) - لالا لالای (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - گل باغ محمد (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل)	- محمد در عرب سردار دینسه (۳ جزئی با مسند) - محمد نور رب العالمینه (۳ جزئی با مسند) - محمد که خدا پیغمبریش داد/ چراغ آسمان، شمع زمینه (۳ جزئی با مسند)		
۱۰	- لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - گلم (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل)	- مگری	- که کس با تو نکرد جبری (۳ جزئی با متمم) - اگر با تو کند جبری (۳ جزئی با متمم) - خدا مرگش دهد فوری (۳ جزئی با مفعول)	

۱۱	- لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - گل انجیر (جمله ندایی، جمله استثنایی بی فعل)		- بایات رو کردنش زنجیر (۳ جزئی با مفعول)	
۱۲		- گلی از دست رفت - و خار مانده است - به من جور و جفا بسیار مانده است - به دستم مانده طفل شیرخوار		- مرا این یادگار از یار مانده است (۴ جزئی با مفعول و متمم)
۱۳	- لالای لای لای (صوت، جمله استثنایی بی فعل)	- اگر حضرت بفرمایه	- به مشهد شی (۳ جزئی با متمم) - به پای تخت حضرت شی (۳ جزئی با متمم) - تو جارو کش زینب شی (۳ جزئی با مسند)	
۱۴	- لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل) - لالا لالا (صوت، جمله استثنایی بی فعل)		- لالات می کنم من (۳ جزئی با مفعول) - نگاه بر قد و بالات می کنم من (۳ جزئی با متمم) - لالات بی بلا باد (۳ جزئی با مسند) - نگهدار شب و روزت خدا باد (۳ جزئی با مسند)	

در ۹۳ لالایی بررسی شده، در صد فراوانی جملات ساده و مرکب و نیز درصد فراوانی تعداد اجزای جمله به صورت زیر است:



براساس نمودار بالا، در لایه‌های بررسی‌شده درصد فراوانی جملات ساده (۶۹٪) بیشتر از جملات مرکب (۳۱٪) است. در ۲۱٪ از جملات، حروف ربط وابسته ساز وجود دارند و در ۷۹٪ حروف ربط همپایه ساز. نتیجه آزمون آماری کای دو که با استفاده از نرم افزار SPSS21 به دست آمد، نیز نشانگر آن است که میان فراوانی جملات ساده و مرکب تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0.05$; $p = 0.000$; $\alpha = 0.05$)؛ به صورتی که بسامد جملات ساده به طور معناداری بیشتر از جملات مرکب است. از بعد تعداد اجزای جمله، جملات سه جزئی و یک جزئی به ترتیب با ۴۲٪ و ۳۱٪ بیشترین و کمترین میزان بسامد را در لایه‌های مورد بررسی داشته‌اند. نتیجه آزمون آماری کای دو نشان دهنده این است که میان فراوانی جملات سه جزئی و جملات یک جزئی تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0.05$; $p = 0.006$)؛ به طوری که در لایه‌ها جملات سه جزئی به طور معناداری بیشتر از جملات یک جزئی کاربرد داشته‌اند.

۶- نتیجه

یکی از ابعاد ساختاری لایه‌ها بررسی ویژگی‌های نحوی آن‌ها است که در مقاله حاضر انواع جملات تشکیل‌دهنده لایه‌ها از نظر ساده و مرکب بودن و نیز تعداد اجزای جملات بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ۹۳ لایه بررسی‌شده، براساس آزمون آماری کای دو، جملات ساده (۶۹٪) به طور معناداری بیشتر از جملات مرکب (۳۱٪) کاربرد داشته‌اند.

در ۲۱٪ از جملات، حروف ربط وابسته ساز وجود داشته‌اند و در ۷۹٪ حروف ربط همپایه ساز. از بعد تعداد اجزای جمله، جملات سه جزئی و یک جزئی به ترتیب با ۴۲٪ و ۳۱٪ بیشترین و کمترین میزان بسامد را در لایایی‌های موردبررسی داشته‌اند و براساس آزمون آماری کای دو، جملات سه جزئی نسبت به جملات یک جزئی به طور معناداری بیشتر به کار رفته‌اند. بسامد زیاد جملات ساده متناسب با نوع لایایی است؛ زیرا در این نوع ادبیات عامه از آنجایی که مخاطبان آن‌ها کودکانی هستند که در حال فراگیری زبان هستند و آن‌ها برای این کودکان خوانده می‌شوند، انتظار بر این است که از ساختارهای نحوی استفاده شود که جملاتی کوتاه و ساده و متشکل از فقط یک فعل باشند تا پردازش و درک آنها برای کودکان مخاطب قابل فهم باشد. همچنین، فراوانی زیاد جملات ساده با سادگی لایایی‌ها که مورد انتظار است، مطابقت دارد.

هرچند جملات یک جزئی نسبت به جملات سه جزئی بسامد کمی داشته‌اند؛ اما در مقایسه با جملات دو و چهار جزئی فراوانی زیادی داشته‌اند. بسامد زیاد آن‌ها می‌تواند به این دلایل باشد: وجود اصواتی که بیانگر لایایی هستند و کاربرد آن‌ها در لایایی‌ها عادی و نرم است و اولین صور زبانی هستند که هویت لایایی‌ها را نشان می‌دهند؛ کاربرد جملات ندائی که مادران، سرایندگان لایایی‌ها، با کاربرد این صور زبانی در اکثریت قریب به اتفاق موارد، کودک و نوباوه خود را موردنظر قرار می‌دهند و با این کار سعی در جلب توجه وی برای شنیدن آرزوهای مادرانه خود برای فرزندش دارد.

یافته‌های دیگر تحقیق نشان می‌دهند که در جملات یک جزئی که همه آن‌ها جملات استثنائی بوده‌اند (به تعداد ۱۵۷ جمله)، در ۸۴ مورد (۵۴٪) اصوات به کار رفته‌اند و در ۷۳ مورد (۴۶٪) جملات ندائی کاربرد داشته‌اند. لالا، لالا، لالا، لالا لایی، و الا لالا از جمله اصوات بودند. برخی از جملات ندائی مشاهده شده در لایایی‌ها عبارت‌اند از: عزیز من، گل انگور، گل سرخ و سفیدم، و ای دل مه.

در جملات دو جزئی که تعدادشان ۱۰۹ جمله بود، ۹۴ مورد (۸۶٪) جملات عادی بودند و ۱۵ مورد (۱۴٪) جملات استثنایی بودند که این جملات استثنائی عبارت‌اند از: خدا یارت، رسول الله نگهدارت. در جملات سه جزئی که تعدادشان ۲۱۰ جمله بود، ۱۰۸ تا از جملات (۵۱٪) جملات سه جزئی با مفعول، ۷۷ مورد (۳۷٪) جملات سه جزئی با مسند و ۲۵ تا (۱۲٪) جملات سه جزئی با متمم بودند. در جملات چهار جزئی که تعدادشان ۲۷ جمله بود،

۹ مورد جملات استثنائی بودند؛ مانند: خوابت نمی‌یاد، یادت نمی‌یاد، و لالایت می‌یاد. ۱۸ مورد جملات چهارجزئی با مفعول و متمم (۱۰ عدد) و مفعول و مسند (۸ عدد) بودند.

منابع

۱. احمد پناهی سمنانی، محمد. (۱۳۸۳). *ترانه و ترانه سرایی در ایران*. تهران: سروش.
۲. احمد پناهی سمنانی، محمد. (۱۳۸۴). *تاریخ در ترانه*. تهران: پژواک کیوان.
۳. امیری، رعنا و همکاران. (۱۳۸۷). «تأثیر آوای لالایی بر درصد غلظت اشباع اکسیژن خون نوزادان نارس»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۱۹-۱۲.
۴. انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. (۱۳۴۸). *فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آن‌ها*. تهران: چاپخانه وزارت اطلاعات.
۵. انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۱). *گذری و نظری در فرهنگ مردم*. تهران: اسپرک.
۶. پورنعمت رودسری، منیژه. (۱۳۹۱). «بررسی موضوعات تعلیمی و غنایی لالایی‌های استان بوشهر»، *فصلنامه تحقیقات غنایی و تعلیمی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بوشهر*، شماره ۱۱، صص ۱۰۲-۷۷.
۷. جلالی پندری، یدالله و صدیقه، پاک ضمیر. (۱۳۹۰). «ساختار روایت در لالایی‌های ایرانی»، *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۲، شماره ۲، صص ۳۱-۱.
۸. جمالی، ابراهیم. (۱۳۸۷). *لالایی در فرهنگ مردم ایران*. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۹. حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۲). «لالایی‌های مخملین؛ نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی»، *مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال ۱، صص ۸۰-۶۱.
۱۰. خادمی، الهام. (۱۳۸۹). *رویکردی تطبیقی بر لالائی‌های فارسی و عربی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. جلد سیزدهم.
۱۲. سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۰). *پنج مقاله درباره ادبیات کودکان*. تهران: ترفند.
۱۳. سفیدگر شهناقی، حمید. (۱۳۸۷). *لالالالا گل پونه*. تهران: قصیده.

۱۴. سعیدی، سهراب. (۱۳۸۶). *لالایی، بازی‌ها و سرگرمی‌های میناب*. تهران: انتشارات ائشن.
۱۵. شایسته رخ، الهه. (۱۳۸۹). «بازتاب قیام عاشورا در ادبیات شفاهی»، *فصلنامه فرهنگ مردم/ایران*، شماره‌های ۲۲ و ۲۳، صص ۲۱۴-۱۸۹.
۱۶. شایگان مهر، محمد و الهام، خادمی. (۱۳۹۰). «رویکردی مقایسه‌ای بر لالایی‌های پارسی و تازی»، *فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد*، شماره ۳۱، صص ۲۷۶-۲۴۹.
۱۷. شجری، رضا. (۱۳۸۴). *بررسی اجمالی و تحلیل ادبیات کودکان در ایران از آغاز تا دهه هفتاد*. تهران: عیاران.
۱۸. عنایت، حلیمه و همکاران. (۱۳۹۰). «لالایی‌ها رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان؟ (تحلیلی جامعه‌شناختی از لالایی‌های منطقه لامرد فارس)»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۷۶-۵۷.
۱۹. غفاری، سعید. (۱۳۸۴). *ادبیات کودکان و نوجوانان*. همدان: سپهر دانش.
۲۰. قزل‌ایاق، ثریا. (۱۳۸۵). *ادبیات کودکان؛ تولد تا سه سالگی*. تهران: درخت بلورین.
۲۱. قزل‌ایاق، ثریا. (۱۳۸۶). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*. تهران: انتشارات سمت.
۲۲. کوهی کرمانی، حسین. (۱۳۴۵). *هفتصد ترانه از ترانه‌های روستائی ایران*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
۲۳. کیانی، حسین و سعیده، حسن‌شاهی. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی ساختار و درون‌مایه لالایی‌های فارسی و عربی»، *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۱۴-۹۱.
۲۴. مقدسی، صادق. (۱۳۸۳). «لالایی؛ کهن‌انگیزترین زمزمه سحرانگیز مادر. فرهنگ مردم ایران و جهان»، شماره ۲، صص ۱۶۴-۱۵۷.
۲۵. مهاجری، زهرا. (۱۳۸۶). *گل پسته*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۶. نجف زاده بارفروش، محمدباقر. (۱۳۷۵). *لالایی‌های ایران*. قائم شهر: روجا.
۲۷. وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا، عمرانی. (۱۳۸۱). *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: انتشارات سمت.
۲۸. همایونی، صادق. (۱۳۵۶). *یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه*. شیراز: انتشارات اداره کل.
۲۹. یآوری، حسین و بهاره، عابدینی. (۱۳۸۸). *فرهنگ عامه (۲)*. تهران: آذر.